Journal of Research in Behavioral Sciences

Year 2023, Volume 21, Issue 2

Analyzing Women's Soft Resistance Against the Patriarchal Structure

Akbar Etebarian Khorasgani[1], Zahra Jalali[2], Badri Shahtalebi[3], Reza Ebrahimzadeh Dasjerdi[4]

1. (Corresponding author) * Professor, Department of Management, Isfahan (Khorasgon) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. PhD Student in Management, Department of Management, Isfahan (Khorasgon) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
3. Professor, Department of Educational Science, Isfahan (Khorasgon) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
4. Professor, Department of Management, Isfahan (Khorasgon) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Abstract

Aim and Background: In addition to being considered as a platform for exercising power in society, daily life also provides potential for liberating action and creativity and independence of the subject. Family is one of the most important areas of daily life in which women are the main players. Due to the fact that this field is not free of power relations, like other fields of applying power strategies, it also contains some resistances. The current research analyzes the soft resistance of women against the patriarchal structure. In this article, an attempt was made to examine women's lives in the context of a patriarchal society and analyze some important factors in stabilizing or changing their status, especially in the family.

Methods and Materials: The present research method was descriptive-correlation type. The statistical community in the qualitative section consists of scientific and executive experts and experts, in the fields of sociology and political science, who have authored articles on development, political development, and women's empowerment in various fields of development. (Emphasizing that Female experts must be used) and the purposeful sampling method was used in the qualitative section.

Findings: The results of the research showed that gender socialization with a frequency of 377 has the greatest impact on the analysis of women's soft resistance against the patriarchal structure and the sacred component of the concept of women with a frequency of 69 has the least impact. Among the sub-components, the biggest sub-component of the country's inability to use the potential of women with the number of 57 has the greatest effect on the increase of women's soft resistance against the patriarchal structure.

Conclusions: The findings of the research indicate that Gender socialization plays a significant role in the creation and continuation of harms caused to women in the society and can face the right path with fundamental challenges. The results of this study can be effective in identifying and reducing the harms caused by women's soft resistance against the patriarchal structure in the path of choosing an academic major.

Keywords: Women's Resistance, Patriarchal Structure, Women, Women's Potential.

Citation: Etebarian Khorasgani A, Jalali Z, Shahtalebi B, Ebrahimzadeh Dasjerdi R. **Analyzing Women's Soft Resistance Against the Patriarchal Structure**. Res Behav Sci 2023; 21(2): 390-409.

* **Akbar Etebarian Khorasgani,**
Email: sf_aghajani@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]

[DOI: 10.48305/21.2.390]

واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه

اکتبر اعتباریان خوراسگانی[1]، زهرا جلالی[2]، بدری شاه‌طالبی[3]، رضا ابراهیم زاده دستجردی[4]

۱- (نویسنده مسئول)* دانشیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲- دانشجوی دکتری مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳- دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۴- استادیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: زندگی روزمره علاوه بر این‌که بستر اعمال قدرت در جامعه محسوب می‌شود پتانسیل‌هایی نیز برای عملِ رهایی‌بخش و خلاقیت و استقلال سوژه فراهم می‌کند. خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های زندگی روزمره است که زنان در آن نقش‌آفرین اصلی شمرده می‌شوند. با توجه به این‌که این حوزه نیز خالی از مناسبات قدرت نیست مانند بقیه‌ی عرصه‌های اعمال استراتژی‌های قدرت مقاومت‌هایی را نیز در خود جای می‌دهد. پژوهش حاضر به واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه می‌پردازد. در این مقاله تلاش شد زندگی زنان در متن جامعه مردسالارانه موردبررسی قرارگرفته و برخی عوامل پراهمیت در تثبیت یا تغییر وضعیت آنان خصوصاً در خانواده واکاوی شود.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان و صاحب‌نظران علمی و اجرایی، در رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی که در بحث توسعه، توسعه سیاسی و همچنین در بحث توانمندسازی زنان در حوزه‌های مختلف توسعه، صاحب تألیفات هستند (با تأکید بر اینکه از خبرگان زن حتماً استفاده گردد) و از روش نمونه‌گیری هدفمند در بخش کیفی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که جامعه‌پذیری جنسیتی با فراوانی ۳۷۷ بیشترین تأثیر را بر واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه و مؤلفه تقدس بخشی به مفهوم زن با فراوانی ۶۹ دارای کمترین تأثیر می‌باشد. از بین زیر مؤلفه‌ها، بیشترین زیر مؤلفه عدم توان کشور در استفاده از پتانسیل زنان با تعداد ۵۷ بیشترین تأثیر را بر افزایش مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه دارد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش، حاکی از این است که جامعه‌پذیری جنسیتی در ایجاد و ادامه‌ی آسیب‌های وارده بر زنان در جامعه نقش قابل‌توجهی دارند و می‌تواند مسیر صحیح را با چالش‌های اساسی مواجه کند. نتایج این مطالعه می‌تواند در شناسایی و کاهش آسیب‌های ناشی از واکاوی مقاومت-های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه مؤثر واقع شود.

واژه‌های کلیدی: مقاومت زنان، ساختار مردسالارانه، زنان، پتانسیل زنان.

ارجاع: اعتباریان خوراسگانی اکتبر، جلالی زهرا، شاه‌طالبی بدری، ابراهیم زاده دستجردی رضا. **واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه**. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۲؛ ۲۱(۲): ۳۹۰-۴۰۹.

*- **اکتبر اعتباریان خوراسگانی،**

رایانامه: a.etebarian.khuisf@gmail.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]

[DOI: 10.48305/21.2.390]

مقدمه

با تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع پس از انقلاب صنعتی یکی از اثرات درخور توجه این دگرگونی‌های کلان، اجتماعی تغییر در نقش جنسیت است؛ نقش‌هایی که مردان و زنان به شکل سنتی ایفا می‌کردند، دچار تحول شد قاعده کلی مبنی بر اینکه مردان در حکم نان‌آور خانه و صاحب قدرت باشند و زنان در حکم خانه‌دار، بچه‌دار و شوهردار و فرودست در خانه، به هم خورد. گفتنی است که نقش زنان به‌مراتب بیشتر از نقش مردان دچار دگرگونی شد تا آنجا که تغییر نقش جنسیت، با تغییر نوع فعالیت و وظایف زن در جامعه مترادف شد. یکی از دلایل عمده این امر این است که با آمدن تغییر بزرگ نقش مردان کمتر، اما نقش کیفی زنان به‌مراتب بیشتر دگرگون شد. روابط زن و مرد در جوامع سنتی با ظهور عصر جدید دچار مناقشه شد. پوشش زنان، کسب تحصیلات زنان، کار کردن زنان در کنار مردان در خارج از خانه و کار کردن مردان در خانه در کنار زنانشان پیوسته باعث تنش و تعارضات فراوان شد (۱).

بدین ترتیب، ویژگی‌های زندگی خانوادگی بیشتر از قبل در معرض دید قرار گرفت و زندگی مشترک بر اثر این تغییرات دچار بحران‌های بسیاری شد. از تغییرات عمده‌ای که در جریان این اوضاع در خانواده رخ داد تضعیف نظام پدرسالاری بود. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که از قدرت مرد در خانه کاسته شد و به قدرت زن افزوده شد، اما به نظر بسیاری، این‌گونه پیش‌بینی‌ها و تعمیم‌های خوش‌بینانه به‌ویژه در جوامع جهان سوم به‌اصطلاح معمول جدید (جنوب) خیلی واقع‌بینانه نیست (۲).

با این وصف، موضوع توزیع قدرت در خانواده به یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعه در جامعه‌شناسی خانواده تبدیل شد. اگر قدرت به‌منزلهٔ قابلیت تأثیر در دیگران برای انجام خواسته‌های فرد در نظر گرفته شود، در این صورت از یک منظر قدرت با تفکیک نقش‌های اجتماع گره‌خورده است. از منظری دیگر ساختار قدرت در خانواده بر پایه قدرت مافوق مرد پایه‌ریزی شده است و ازنظر تعامل‌گرایان سلطه نسبی مرد از طریق روابطی که همسران با یکدیگر به گونهٔ کنش و واکنش نشان می‌دهند، شکل می‌گیرد. هاوید (۱۹۸۹) در تعامل روزمره در خانه میان همسران خواسته مرد یا زن به‌گونه‌ای ضمنی اولویت می‌یابد و همان رفتارها به قدرت در خانه، ساختاری خاص می‌بخشد. در دید تضادگرایان، قدرت حتی در خانواده، عمدتاً تابعی از اقتدار و کنترل منابع مالی است. در همهٔ این نگاه‌ها به موضوع، قدرت به موضوع فرودستی زنان که مکرراً و به اشکال گوناگون درباره‌اش بحث شده توجهی خاص شده است. با این وصف، این برداشت فقط بخشی از واقعیت است همان‌طور که برنارد اشاره می‌کند (۳).

مقاومتی که دوسرتو از آن سخن می‌گوید چندان در دسترس و آشکار نیست. بلکه فهم این مقاومت تنها از طریق تفسیری از کردارهای فرهنگی آدمیان ممکن می‌شود. اوامر روزمره را قلمرو مقاومت عملی و مجازی می‌بینند. نکته‌ی دیگر این است که دوسرتو برای توضیح مقاومت به دنبال نیروی مشخص یا طبقه‌ای نمی‌گردد که بخواهد تغییری انجام دهد بلکه پراکسیس در کردارهایی معمولی و متنوع متجلی می‌شود که در متن زندگی روزمره جاری است. همان‌طور که قدرت از رنگی به رنگ دیگر درمی‌آید و از میدانی به میدان دیگر تغییر موضع می‌دهد، نیروی مقاومت نیز دائماً از جبهه‌ای به جبهه‌ی دیگر نقل‌مکان می‌کند و در چهره‌های گوناگون رخ می‌نماید و قدرت و مقاومت یک بازی پیچیده را آغاز می‌کنند. اولین قدم دوسرتو برای فهم مقاومت در زندگی روزمره ایجاد تمایز بین استراتژی و تاکتیک در کنش روزمره است. استراتژی، برخاسته از نوعی مناسبات قدرت است که با مفاهیم مالکیت و مکان فهم می‌شود اما تاکتیک برآورد و تخمینی است که نمی‌توان آن را به‌عنوان امری واقعی استقرار نهادی و فضایی فرض کرد ازاین‌رو نمی‌توان مرز آن را با «دیگری» به‌عنوان کلیت و موجودیتی عینی مشخص کرد (۴).

امروزه مسائل مهمی نظیر سلطه، تبعیض، نابرابری علیه زنان در رویکردهای انتقادی مورد تحلیل علمی قرارگرفته و سلطه علیه زنان توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. یکی از ویژگی‌های سلطه علیه زنان در ایران پنهان بودن آن ازنظر خانواده و جامعه است. زنان تا آنجا که امکان دارد سکوت می‌کنند. پنهان نگه‌داشتن اعمال سلطه علیه زنان و پرهیز زنان از واکنش فعال نسبت به آن‌یکی از مشخصات سلطه علیه آنان در تمام جوامع است (۵). علی وردی نیا و ریاحی (۱۳۸۹) می‌گویند سلطه علیه زنان ابعاد مختلف فیزیکی، جنسی و نمادین را در بر می‌گیرد و سلطه نمادین بیشتر از بقیه به حاشیه رانده شده است. ماهیت نامحسوس این نوع سلطه سبب شده تا مسائل این نوع سلطه علیه زنان از چشم اکثریت پنهان بماند، قربانیان آن در سکوت همچنان مورد ظلم قرار بگیرند و اعتراض ننمایند (۶).

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

علاوه بر این جامعه شناسان نقش نهادهای جامعه‌پذیر خانواده، دوستان، مدرسه، رسانه را در یادگیری الگوهای جنسیتی تبعیض‌آمیز و مهم ارزیابی می‌نمایند که در این میان خانواده، نقش بیشتری در یادگیری و انتقال روابط سلطه بر عهده دارد. خانواده به‌عنوان خطرناک‌ترین مکان برای اعمال سلطه علیه زنان توصیف‌شده و محصول ساختار نابرابر سلطه در نظام خانواده و نابرابری اجتماعی جنسیتی است. تقسیم‌کار جنسیتی در نظام خانواده و تفکیک نقش جنسیتی در نظام اجتماعی به تثبیت و بازتولید روابط و مناسبات نابرابر سلطه گری/ سلطه‌پذیری میان زنان و مردان می‌انجامد که اطاعت زنان از مردان یکی از جنبه‌های سلطه در ساختار قدرت در خانواده و از عوارض بازتولید سلطه به شمار می‌آید. زنان زیر سلطه دچار نوعی احساس حقارت و عدم امنیت می‌شوند (۱).

دوبوار از جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به‌عنوان عامل تداوم سلطه مرد بر زن یاد می‌کند. جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن، نابرابری، آن را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. طبق این الگو، زنان در حوزه خصوصی خانواده محصورند. فرایند جامعه‌پذیری در خانواده گرایش‌های جنسی را درونی کرده و آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود. بر اساس نظریه نابرابری جنسیتی نه‌تنها جایگاه زنان با مردان متفاوت است، بلکه نابرابر نیز هست و لذا زنان در مقایسه با مردانی که از جایگاه اجتماعی برابری برخوردارند، منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های کمتری دارند. در نظریه ستمگری جنسی، زنان علاوه بر تفاوت و نابرابری جنسی با مردان، تحت ستم نیز قرار دارند؛ یعنی تحت انقیاد، تابعیت تحمیل و بدرفتاری مردان به سر می‌برند. از انتقادهای فمینیسم نسبت به فرهنگ رسانه‌ای، نادیده گرفته شدن زنان به‌عنوان مقوله‌ای اجتماعی و به حاشیه رانده شدن آنان (فنای نمادین) است (۲).

این تبعیض در سلسله‌مراتب خانواده اثر زیان‌بخش خود را از سویی بر تربیت دختران و وضعیت آن‌ها در مرتبه‌ی تابع و وابسته در دور جدید در منزل پدر و بعدازآن در منزل همسر و از دست دادن فرصت‌های رشدی به‌واسطه‌ی روابط تبعیض‌آمیز باقی می‌گذارد و از سوی دیگر مرتبه فرودستی مادران در خانه و فقدان شخصیت و هویت مستقل و پویا در آن‌ها موجب تربیت فرزندانی وابسته و غیر خلاق می‌شود. در خانواده‌های سنتی ایرانی، مردان در همه‌ی امور تصمیم می‌گیرند و کنترل و اداره امور منزل به عهده‌ی آن‌ها است و زنها در ارتباط با مردان نقش تابع دارند. دوسرتو اشاره کرده است که فرودستان معمولاً در مقابل اعمال قدرت فرادستان و استراتژی‌هایی آن‌ها مقاومت می‌کنند و این مقاومت را در اعمال زندگی روزمره خود نشان می‌دهند. ازآنجاکه امور منزل و خانواده در حوزه‌ی زندگی روزمره قرار می‌گیرد مقاومت به این معنا در آن معنادار است و می‌توان آن را مطالعه کرد. ازاین‌رو پژوهش حاضر به واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه می‌پردازد.

همچنین، ازآنجاکه به‌صورت سنتی و در جریان جامعه‌پذیری جنسیتی زنان بیشتر برای نقش‌های داخل خانواده تربیت می‌شوند، بنابراین تشویق می‌شوند که بر امور عملی زندگی روزمره تمرکز و به آن فکر کنند. کوزر (۷) اشاره می‌کند که وابسته بودن به گمینشافت خانواده به این معنا است که زنان به خانه وابسته‌اند و از فضای فیزیکی کمتر استفاده می‌کنند و این محدودیت و تعهد فضای اجتماعی آن‌ها را نیز محدود می‌کند. در جامعه‌ی سنتی ایران در کمتر از یک قرن پیش زنان به‌ندرت در مکان‌های عمومی ظاهر می‌شدند و در صورت ضرورت نیز حضور یک مرد با آن‌ها لازم بود. زنان فقط در مکان‌های شخصی یا مکان‌هایی که اصولاً از وجود مردان عاری بود مسجد، حمام و قبرستان می‌توانستند آزادانه حاضر شوند. با شکل‌گیری جامعه‌ی جدید، رفتن به خرید یکی از اولین بهانه‌هایی بود که می‌توانست زن را در عرصه‌ی عمومی فعال کند. امروزه چنین حضوری بین کار مفید و فراغت در نوسان است؛ یعنی درحالی‌که زن برای منزل خرید می‌کند می‌تواند تفریح کند و زمان آزاد خود را در جامعه‌ی واقعی داشته باشد. این واقعیت که زنان کمتر بدون وجود همراه به خرید می‌روند نشان می‌دهد که آن‌ها امکان حضور در مکان‌های عمومی را تبدیل به فرصتی برای ایجاد دوستی و روابط اجتماعی کرده‌اند (۸).

درواقع تاکتیک هنر ضعف است. ضعفی که در مناسبت‌های قدرت و استراتژی‌های آشکار آن قرارگرفته‌اند به دنبال فرصت‌هایی می‌گردند که در چارچوب نظم موجود برای دستیابی به هدف خود ناگهان ابتکار عمل را به دست گیرند و شگفتی بیافرینند. برای آن‌ها امکان‌پذیر است که جایی باشند که کسی انتظار آن را ندارد؛ بنابراین؛ تاکتیک لحظه‌ای و ابتکاری است. قدرت‌ها تا وقتی دیده شوند باقی می‌مانند. هر چه قدرت کمتر قابل‌مشاهده باشد بیشتر به سمت تبدیل‌شدن به تاکتیک پیش می‌رود. دوسرتو از عزل قدرت سخن می‌گوید؛ عزلی که نه به معنای واژگون‌سازی است بلکه به این معنا است که قدرت دیگر از توان تحمیل ارادی خود بر ضعفا برخوردار نیست. البته

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

گسترش شبکه‌ی انضباطی قدرت در جامعه و طفره رفتن روزمره، از تقلیل یافتن در آن را، باید هم‌زمان ببینیم. تعامل تاکتیک و استراتژی همین امر را نشان می‌دهد. تاکتیک‌ها به‌جای تضاد مستقیم از طریق کنار آمدن عمل می‌کنند. دوسرتو از کنار آمدن به‌عنوان هنر هم‌زیستی سخن می‌گوید و درواقع نوعی مقاومت است که در حوزه‌ی فرهنگ به شکل مبارزه برای معنا متبلور می‌شود. مبارزه‌ای که در آن طبقات حاکم تلاش می‌کنند، معانی تأمین‌کننده‌ی منافع خود را به‌صورت عرف عام جامعه و طبیعی جلوه دهند. درحالی‌که طبقات فرودست در مقابل این روند به روش‌ها و میزانی مختلف مقاومت می‌کنند و می‌کوشند معانی را به وجود آورند که در خدمت منافع خودشان باشد (۹).

مردان و زنان ممکن است به‌طور یکسان در خصوصی شدن شخصیت گمنامی و کنار رفتن از زندگی عمومی سهیم باشند، اما خطی که به‌طور فزاینده و به‌گونه‌ای دقیق بین عمومی و خصوصی ترسیم‌شده است، خطی است که زنان را به حوزه‌ی خصوصی محدود ساخته است. درحالی‌که مردان از آزادی رفت‌وآمد در میان ازدحام کافه‌ها و مکان‌های عمومی برخوردار بودند، زنان امکان حضور در جامعه، یا حتی در پناه بردن به انزوا یا گریز به خلوت و تنهایی عمومی، از حقوقی یکسان برخوردار نیستند. علت نامریی بودن زنان یا حضور کمرنگ زنان مولود سه علت است (۱) ماهیت و سرشت تحقیق جامعه‌شناختی که عمدتاً تحت سیطره و در انحصار مردان بوده و معطوف به حوزه‌های عمومی کار، سیاست و بازار است. (۲) برداشت نسبتاً جانب‌دارانه از مفهوم مدرنیته که تا حدودی بسیار باتجربه در عرصه‌ی عمومی یکسان تلقی می‌شود و گرچه تغییرات آن در زندگی اجتماعی تا حدودی بر همه‌ی افراد صرف‌نظر از جنسیت و طبقه تأثیر گذاشت اما اصولاً در مورد حوزه‌ی خصوصی بی‌تأثیر است و بالاخره (۳) واقعیت جایگاه زنان در جامعه که به‌مراتب پیچیده‌تر از صرف محبوس یا محصور بودن آنها در منزل است و با توجه به طبقات اجتماعی مختلفی که در آن به سر می‌برند و حتی با توجه به مناطق جغرافیایی، با هم فرق می‌کنند. زنان علاوه بر اینکه مکان‌های اجتماعی زیادی را در اختیار گرفته‌اند در مشاغل رسمی و مزدبگیر نیز حضور دارند و فرایندهای هویت‌بخش مدرنیته را تجربه کرده‌اند. بااین‌همه این عرصه‌ها چه در سپهر خصوصی (خانه و خانواده) و چه عمومی (کار مکان‌های عمومی جامعه) خالی از مناسبات قدرت نیست و سایه‌ی سنگین مردسالاری بر آن حکومت می‌کند. محدودیت فضای اجتماعی زنان و تمرکز آن در خانواده در حالی است که ساختار قدرت در حوزه‌ی خصوصی بازهم به نفع زنان نیست و آنها در این حوزه هم در موضع فرودستی هستند. ازاین‌رو انجام این پژوهش و واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

زن در خانواده و محل کار به علت مؤنث بودن در موضع وابستگی و فرمان‌برداری نگه‌داشته شده است. این تبعیض در سلسله‌مراتب خانواده اثر زیان‌بخش خود را از سویی بر تربیت دختران و وضعیت آن‌ها در مرتبه‌ی تابع و وابسته در دور جدید در منزل پدر و بعدازآن در منزل همسر و از دست دادن فرصت‌های رشدی به‌واسطه‌ی روابط تبعیض‌آمیز باقی می‌گذارد و از سوی دیگر مرتبه فرودستی مادران در خانه و فقدان شخصیت و هویت مستقل و پویا در آن‌ها موجب تربیت فرزندانی وابسته و غیر خلاق می‌شود. در خانواده‌های سنتی ایرانی، مردان در همه‌ی امور تصمیم می‌گیرند و کنترل و اداره امور منزل به عهده‌ی آن‌ها است و زن‌ها در ارتباط با مردان فقط نقش تابع دارند و ازاین‌رو واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه چون در پژوهش‌های قبلی به‌طور عمیق موردبررسی قرار نگرفته است دارای نوآوری می‌باشد.

علاوه بر آن، در پژوهش‌های پیشین همچون کشاورزی و شمشیری (۱۰)، نصیری و همکاران (۱۱)، آیموا (۱۲) و ضیائی (۱۳) تنها به بررسی مشارکت و توانمندسازی زنان پرداخته شده است و به موارد دیگر همچون، نگرش مردسالارانه در جامعه پرداخته نشده است. وضعیت زنان و مواجهه آنان با پدرسالاری در درون چنین تحولاتی مبهم و نامشخص است. آن‌ها نهادهای متناسب با یک کلان‌شهر را شکل نداده‌اند. این پژوهش به دنبال آن است که مواجهه زنان با نگرش مردسالاری در جامعه را مطالعه کند. آنچه در این پژوهش موردتوجه است چگونگی نفوذ ایده‌های فوق در زندگی خصوصی زنان، در ارتباط آنان با همسر و فرزندانشان است. با توجه به اینکه در هیچ‌یک از پژوهش‌های قبلی به تفسیر واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه پرداخته نشده است ازاین‌رو انجام این پژوهش دارای نوآوری و الزام است. با توجه به نظریات مطرح‌شده سؤال زیر برای این پژوهش مطرح می‌گردند:

- زنان خود پیرامون آموزه‌های ایدئولوژی مردسالارانه چگونه می‌اندیشند و در قبال آنچه موضعی اتخاذ می‌نمایند؟

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

مواد و روش‌ها

این مطالعه به شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه‌ی داده بنیاد انجام شد؛ که در مرحله کیفی به تدوین چارچوبی به‌منظور تبیین چالش‌های واکاوی مقاومت‌های نرم زنان در مقابل ساختار مردسالارانه پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان و صاحب‌نظران علمی و اجرایی، در رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی که در بحث توسعه، توسعه سیاسی و همچنین در بحث توانمندسازی زنان در حوزه‌های مختلف توسعه، صاحب تألیفات هستند (با تأکید بر اینکه از خبرگان زن حتماً استفاده گردد) و از روش نمونه‌گیری هدفمند در بخش کیفی استفاده شد. همچنین، نمونه‌گیری در این پژوهش با معیار اشباع نظری بود. بر این اساس روند مصاحبه‌ها تا مرحله‌ای ادامه یافت که داده‌های جمع‌آوری‌شده برحسب شاخص‌های پیش‌بینی‌شده، پاسخ‌گوی نیاز تحلیلی پژوهش باشد.

ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در ابتدا سؤالات مصاحبه، بر اساس ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش تدوین شد و سپس برای بررسی روایی محتوایی به شش نفر از صاحب‌نظران و متخصصان ارسال گردید و نظر آنها در مورد سؤالات مطرح‌شده، اعمال گردید.

تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌گرفته طی فرایندی منظم و مداوم از مقایسه‌ی داده‌ها صورت گرفت و کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها به اجرا درآمد. به این صورت که در ابتدا، تمام مصاحبه‌ها ضبط و سپس به‌دقت روی کاغذ پیاده شد. در کدگذاری باز، داده‌ها به‌دقت به کوچک‌ترین اجزای ممکن شکسته و سپس بر اساس تفاوت و تشابه با یکدیگر، مقایسه و طبقه‌بندی شدند. پس از حرکت مکرر بین طبقه‌ها و کدها، دسته‌بندی‌هایی انجام شد و کدهای مشابه در یک مقوله قرار گرفتند تا با عناوینی قابل‌درک مشخص شوند. بدین‌صورت که در ابتدا، متن مصاحبه‌ها بخش‌بندی شد، یعنی مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری با جمله یا پاراگراف، خرد شدند و هر جزء، یک کد اولیه نام گرفت. در ادامه به هر یک از این بخش‌ها یا اجزا برچسبی داده شد و بدین طریق کدهای ثانویه پدید آمدند. سپس، از طریق مقایسه بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان کدهای ثانویه، کدهایی که از نظیر مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه قرار گرفتند و مقوله‌ی فرعی را تشکیل دادند (۱۴). درنتیجه فرآیند تحلیلی انجام مقایسه‌ها در مرحله‌ی بعدی، مقوله‌های اصلی شناسایی شدند. در ادامه، مقوله‌ی محوری، شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها و ارتباط بین آنها مشخص شد. همچنین در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی تلاش شد مقوله محوری، مفاهیم پدید آمده در مراحل پیشین را پوشش دهد؛ بنابراین، روابط بین مقوله‌ها با استفاده از تحلیل داده‌ها مشخص شد. هر مصاحبه بین سی دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید. قبل از شروع مصاحبه، در مورد رعایت اصول اخلاقی پژوهش و محرمانه ماندن مشخصات مصاحبه‌شونده و اطلاعات دریافتی در کل فرایند پژوهش توضیحات لازم به شرکت‌کننده‌ها ارائه شد. هر مصاحبه ضبط و سپس رونویسی شد و پس‌ازآن مجدداً موردبررسی دقیق و موشکافانه قرار گرفت.

تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌گرفته طی فرایندی منظم و مداوم از مقایسه‌ی داده‌ها صورت گرفت و کدگذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها انجام شد. در این روش، یعنی، نظریه‌ی داده بنیاد از دو مرحله‌ی اصلی کدگذاری کوربین و اشترواس (۱۵) استفاده شد. در مرحله‌ی اول، کدگذاری باز، مفاهیم یا کدهای موجود در داده‌ها استخراج شدند و در مرحله‌ی دوم که به کدگذاری محوری معروف است، کدهای استخراج‌شده تحت مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و نظارت متخصصان جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها استفاده شد. در روش اول از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد تا یافته‌های مطالعه را ارزیابی و نظر خود را در مورد نتایج به‌دست‌آمده بیان کنند و در این روش نیز، نه نفر از متخصصان، کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مؤلفه‌ها را ارزیابی کردند که نسبت روایی محتوایی الگو (CVR کل) ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته‌ها

در این قسمت از فصل به تجزیه‌وتحلیل متن مصاحبه‌های انجام‌شده پرداخته شد.

نمای کلی از دسته‌بندی مؤلفه‌های پژوهش

طبق جدول ۱، بیشترین فراوانی از عوامل اصلی مربوط به جامعه‌پذیری جنسیتی با فراوانی ۳۷۷ و کمترین فراوانی مربوط به مؤلفه تقدس بخشی به مفهوم زن با فراوانی ۶۹ می‌باشد. از بین زیر مؤلفه‌ها، بیشترین فراوانی مربوط به زیر مؤلفه عدم توان کشور در استفاده از پتانسیل زنان با تعداد ۵۷ می‌باشد.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۱. دسته‌بندی مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه‌های اصلی	زیر مؤلفه‌های	فراوانی
مقاومت‌های شغلی (۹۱)	انتخاب مشاغل متنوع توسط زنان	۳۳
	داشتن استقلال مالی	۳۵
	ورود زنان به بازار کار	۲۳
مقاومت‌های سیاسی (۱۱۶)	ایجاد رقابت با پیوستن روزافزون خود به حوزه‌های عمومی	۴۸
	مشارکت فراگیر و عمیق در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی	۱۵
	کنشگری سیاسی در عرصه خرد و کلان	۲۲
	مشارکت سیاسی به‌منظور بهبود برابری جنسیتی	۳۱
مقاومت‌های اجتماعی (۲۶۴)	مشارکت خلاقانه در همه عرصه‌ها	۴۲
	استفاده از مشارکت مردم در احقاق حق خود	۵۰
	حضور متوازن در عرصه‌های اجتماعی و خانوادگی	۴۳
	حضور فعال زنان در سمت‌ها و احزاب	۲۲
	افزایش فعالیت‌های غیررسمی زنان در جامعه	۱۸
	ایفای نقش‌های اجتماعی در کنار نقش خانه‌داری	۱۷
	تشکیل شبکه‌های زنان توانمند	۲۴
	حضور زنان در مسئولیت‌های اجتماعی	۴۸
مقاومت‌های نقش محور (۱۴۸)	محدود نکردن خود به چارچوب خانه	۴۶
	مطلوبیت استفاده از نگاه‌های مادرانه در حل مسائل	۱۰
	کنشگری زنان مذهبی در راستای حضور مؤثر	۱۷
	عدم فرزند آوری خودخواسته	۲۴
	اعتراض با مراقبت ناکافی از فرزندان	۵۱
حوزه عمومی مردانه (۱۶۵)	غلبه جو مردسالارانه	۱۵
	مردانه بودن ساختار سیاسی	۱۲
	زنان قربانی ساختارهای سیاسی و خشونت‌های فرهنگی	۴۴
	وجود ارزش‌های ضد زن در ساختار سیاسی	۳۸
	اثر رشد ساختار مذکر در آسیب‌پذیر شدن زنان	۲۵
	چهره سیاسی مردانه جامعه	۳۱
سلطه سیاسی و فرهنگی مردان (۲۲۹)	سلطه نظام سیاسی مردسالار	۴۸
	ادبیات مردانه در حوزه سیاسی	۵۶
	سلطه مردسالاری در طول زمان	۲۱
	دست‌های پشت پرده در انتخاب مردان برای پست‌های سیاسی	۱۸
	هنجارهای فرهنگی و اجتماعی غالب در جامعه سنتی	۱۶
	مشارکت زنان محدود به رأی دادن به مردان	۲۴
	استفاده ابزاری از حضور زنان	۳۶
	اعتمادبه‌نفس کاذب مردان جهت گرفتن پست‌های مدیریتی و سیاسی علیرغم نداشتن آگاهی‌های لازم	۱۰
غلبه نگاه مردسالارانه (۱۷۸)	دیدگاه تحقیرآمیز فرهنگ مردسالارانه	۱۹
	غلبه نگاه مردسالارانه	۲۷
	تفکر مردسالارانه در جامعه	۲۵
	ایدئولوژی‌های مردسالاری	۴۰
	نگاه‌های متفاوت به زنان در استخدام	۳۶
	اجبار در استفاده از نگاه‌های مردانه در توانمندی زنان	۳۱

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۱. دسته‌بندی مؤلفه‌های پژوهش

مؤلفه‌های اصلی	زیر مؤلفه‌های	فراوانی
وجود سقف شیشه‌ای (۱۶۷)	وجود سقف شیشه‌ای برای زنان	۴۲
	ندادن مجال فعالیت‌های سیاسی به زنان توسط مردان	۱۵
	ساختار به‌عنوان مانع مشارکت زنان	۲۲
	نادیده گرفته شدن نظرات خانم‌ها در جلسات	۱۳
	شکوفا نشدن پتانسیل‌های زنان	۱۸
	عدم توان کشور در استفاده از پتانسیل زنان	۵۷
نابرابری در فرصت‌ها (۱۸۴)	نابرابری در تقسیم مشارکت بین زنان و مردان	۱۹
	عدم وجود فرصت‌های برابر بین زنان و مردان	۲۴
	نداشتن امکان فرصت‌های برابر برای کسب مراتب مدیریتی، سیاسی	۳۳
	نابرابری‌های ساختاری مبتنی بر جنسیت	۳۶
	عدم اختصاص فرصت برابر به زنان همانند مردان	۲۸
	نهادینه شدن نابرابری‌ها در همه عرصه‌ها نسبت به زنان	۱۸
	فقدان فرصت برای بروز توانمندی‌های زنان	۲۶
تقدس بخشی به مفهوم زن (۶۹)	نگاه به زنان به‌عنوان الهه	۳۱
	نگاه ماورایی به زنان	۳۸
نقش‌های جنسیت زده (۱۶۸)	وجود کلیشه‌ها در نقش‌های جنسیتی	۴۳
	پذیرش زنان با نقش‌های سنتی جنسیتی	۲۴
	جنسیت به‌عنوان مانعی برای تصدی مناصب سیاسی	۱۹
	پیشرفت زنان در سایه مردان	۱۰
	نقش مادری به‌عنوان مانعی برای رشد و توانمندسازی زنان	۱۶
	احساسی عمل کردن در نقش مادری به علت عدم عقلانیت در جامعه	۲۵
	کلیشه‌های جنسیتی (زنانگی و مردانگی کردن نقش‌ها)	۳۱
جامعه‌پذیری جنسیتی (۳۷۷)	جامعه‌پذیری جنسیتی خانواده	۱۷
	ارتقاء شغلی از طریق جاذبه‌های جنسیتی	۳۶
	فقدان آموزش توانمندی دختران توسط مادران خانواده‌های سنتی	۱۲
	تبعیض جنسیتی خانواده‌ها در تحصیل فرزندان	۲۸
	ایفای نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان در خانواده	۳۰
	دور کردن دختران از چالش‌های اجتماع توسط خانواده‌ها	۱۵
	فشار مضاعف خانواده بر روی زنان	۲۵
	نگاه زن‌ستیز در خانواده به زنان	۴۳
	تحمیل وظایف بیش از توان به زنان	۱۸
	عدم حساسیت بر روی رفتارهای پسران	۲۳
	سخت‌گیری به رفت‌وآمد دختران	۴۰
	قوانین تبعیض‌آمیز مدارس دخترانه و پسرانه	۵۱
	محدودیت در استفاده از مکان‌های عمومی برای دختران	۲۶
	تأثیر محیط خانوادگی در ادامه تحصیل زنان	۱۳

نمونه مصاحبه‌های انجام‌شده

جدول ۲ نتایج کدگذاری مصاحبه‌های آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۲. کدگذاری ساختار مردسالارانه

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه‌ها مربوط به کدها
ساختار مردسالارانه (شرایط علی)	حوزه عمومی مردانه	غلبه جو مردسالارانه	این‌یک سند کاملاً مشخص بر ضعیف شدن زنان در حوزه سیاسی است. حال اگر بخواهیم علت‌یابی کنیم علت‌های مختلفی دارد و نمی‌توانیم بگوییم تقریباً مهم‌ترین علت آن غلبه شدید جو مردسالارانه می‌باشد و حتی زنانی که به هر طریقی به قدرت برسند سیاست‌های مردانه را اجرا می‌کنند.
		مردانه بودن ساختار سیاسی	ساختارهای سیاسی در ایران جو مردانه دارند کمتر زنی در سطح جامعه دیده می‌شود که بتواند به ساختارهای قدرتمند سیاسی دسترسی راحت داشته باشد و ساختارهای سیاسی جامعه ما به علت اینکه دارای دیدگاه محدودنگر و جنسیتی به زنان است طبعاً زن را از این ساختارها دور می‌کند. مگر اینکه یک زن دیدگاه سیاسی ساختارها را قبول داشته باشد که در سیاست مشارکت کند. اگرچه هنجارهای فرهنگی و اجتماعی غالب در جوامع سنتی و کمتر توسعه‌یافته، سیاست را عرصه‌ای مردانه می‌دانند، در بحث سیاسی حتی می‌توانیم بگوییم که به‌طور خاص خیلی مردانه‌تر است. حال اگر حوزه‌های عمومی را به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم کنیم حوزه سیاسی حوزه‌ای است که بیشتر نقش مردان در آن پررنگ‌تر است.
		زنان قربانی ساختارهای سیاسی و خشونت‌های فرهنگی	نقش زنان در توسعه سیاسی پایدار چه می‌باشد؟ من دو نکته مهم به ذهنم می‌رسد و آن این است که در طول تاریخ جامعه زنان قربانی دو چیز می‌شوند. هم ساختارهای سیاسی و هم خشونت‌های فرهنگی علیه آنان، یعنی زنان هم از طرف جامعه مورد خشونت قرار می‌گیرد و هم از طرف ساختارهای سیاسی.
		وجود ارزش‌های ضد زن در ساختار سیاسی	با توجه به مطالعاتی که کردم اگر مردسالاری داریم و یا ارزش‌های ضد زن در ساختار سیاسی داریم همان‌هایی هستند که در ساختار اجتماعی جامعه وجود دارد و جاری است و به ساختار سیاسی هم سرایت می‌کند.
		اثر رشد ساختار مذکر در آسیب‌پذیر شدن زنان	یعنی این‌گونه نیست که به‌زعم بعضی از محققان و نویسندگان نتوانیم حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی را لحاظ نکنیم. چراکه به نسبت رشد ساختار مذکر، زن بیش‌ازپیش در درون ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آسیب‌پذیرتر شده و ذیل نخ‌های نامرئی ساختار مذکر واقعیت‌های مفعولی خودش را فراموش کرده و درواقع به برهم سوژگی بودن خودش می‌بالد.
		چهره سیاسی مردانه جامعه	ما در انتخاباتی که انجام می‌شود می‌توانیم ببینیم که چهره سیاسی جامعه بیشتر مردانه است و زنان نقش فعالی ندارند. حتی اگر نقش فعالی هم داشته باشند با توجه به سرمایه اجتماعی ایجادشده، جامعه خیلی سمت و سویی به سمت آنان ندارد.
	سلطه سیاسی و فرهنگی مردان	سلطه نظام سیاسی مردسالار	پس بنابراین خود سیستم مردانه و نظام سیاسی مردسالارانه که بر نظام حاکم است باعث می‌شود زنان هرچه بیشتر از حوزه سیاسی عقب نگه‌داشته شوند.
		ادبیات مردانه در حوزه سیاسی	به‌عنوان‌مثال ادبیات ما در حوزه سیاسی، ادبیات به‌شدت مردانه‌ای است. یک اصطلاحی را در نظر بگیرید به فرض در بحث ریاست جمهوری می‌گویند فرد باید جزء رجال سیاسی باشد و معنای رجل امروزه مرد است.
		سلطه مردسالاری در طول زمان	مردسالاری در طی زمان‌ها این چیزها را ایجاد کرده اما من به‌عنوان یک خانم باید بدانم بعضی از کلیشه‌ها جنسیتی هستند دوم اینکه روزآمد نیستند مطابق با شرایط زندگی ما نیستند و سوم اینکه تغییرش بدهیم.
		دست‌های پشت پرده در انتخاب مردان برای پست‌های سیاسی	در هنگام انتخابات کرسی‌هایی که برای زنان و مردان در نظر گرفته می‌شود، دست‌های پشت پرده همیشه مردان را انتخاب و اعلام کرده نسبت به زنان؛ یعنی زمانی که می‌خواهند افسار سیاسی جامعه را در دست گیرند همیشه یک مرد معرفی می‌شود و زنان فقط می‌توانستند آن مرد را انتخاب کنند یا نکنند.
		هنجارهای فرهنگی و اجتماعی غالب در جامعه سنتی	این همگی برآمده از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی غالب در جامعه سنتی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۲. کدگذاری ساختار مردسالارانه

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه‌ها مربوط به کدها
		مشارکت زنان محدود به رأی دادن به مردان	اولین مانع که جنسیت هست انرژی و اشتیاق مشارکت سیاسی را کاهش می‌دهد و اکثر جامعه زنان هم سکوت می‌کنند. چون مطالبات زنان همیشه یک تابو به‌حساب می‌آید و همین‌طور می‌شود که یک زن در سیاست توانمند نمی‌شود و مشارکت در حد رأی دادن به مردان در جامعه موقع انتخابات باقی می‌ماند.
		استفاده ابزاری از حضور زنان	نگاه دیگری که وجود دارد زن به‌عنوان ابزار است. اگر دعوایی شود فحش‌های رکیک به زنان برمی‌گردد.
		اعتمادبه‌نفس کاذب مردان جهت گرفتن پست‌های مدیریتی و سیاسی علیرغم نداشتن آگاهی‌های لازم	متأسفانه در حیطه‌های مدیریتی با مردانی مواجه هستیم که علیرغم نداشتن آگاهی‌های لازم و تجربه کافی با اعتمادبه‌نفس در پست‌های مدیریتی حتی مدیریت‌های سیاسی وارد شدند و قسمت اعظمی از پست‌های مدیریتی را به این شیوه به مردان اختصاص می‌دهند.
		دیدگاه تحقیرآمیز فرهنگ مردسالارانه	فرهنگ مردسالارانه جامعه ایران دیدگاه تحقیرآمیز نسبت به زنان دارد.
		غلبه نگاه مردسالارانه	زنان باید ذیل مردان حرکت کنند. خیلی کارها بر اساس نگاه مردسالارانه هست و یک زن نمی‌تواند آن را انجام دهد.
	غلبه نگاه مردسالارانه	ایدئولوژی‌های مردسالاری	یکی از دلایلی که چنین استدلال‌هایی آشکارا جنسیتی هستند و زیست اجتماعی زنان را مخاطره‌آمیزتر می‌کنند، این است که جامعه تحت تأثیر ایدئولوژی‌های مردسالاری خود را از تخصص، دانش و مهارت زنان و به عبارت کلی‌تر از این سرمایه انسانی به‌ویژه در حوزه اقتصاد و سیاست بی‌نیاز می‌بینند؛ که این ناشی از همان سنت‌های فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار، مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی است که نیاز به تغییر و اصلاح دارد. این مسئله‌ای مهم در توانمندسازی زنان است که آنها چقدر به فرصت‌ها، منابع برابر و شبکه‌های قدرت دسترسی دارند.
		نگاه‌های متفاوت به زنان در استخدام	باید بر اساس توانایی شخص را انتخاب کنیم. ما این نگاه را نداریم. حتی یادگیری این نگاه به ما داده نشده است؛ که بتوانیم این توانمندی را در زنان رشد دهیم. در Application ها وقتی گزینه زن را انتخاب می‌کنیم، نگاه‌ها کاملاً متفاوت می‌شود و آن‌کسی که کارفرما یا رئیس است بر اساس جنسیت ممکن است شما را انتخاب بکند یا نکند که به نظر من در فضای سیاسی ایران خیلی شدیدتر است.
		اجبار در استفاده از نگاه‌های مردانه در توانمندی زنان	ما گاهی مجبور شدیم مثل مردها با آنها برخورد کنیم تا پذیرفته شویم ولی این اتفاق نباید بیفتد.
		وجود سقف شیشه‌ای برای زنان	در قوانین چنین شکاف جنسیتی وجود ندارد. ولی در واقعیت اعمال می‌شود. درواقع زنان در محیط کار با پیش‌داوری‌هایی روبه‌رو هستند که ناشی از برداشت‌ها، سوءتفاهم‌ها و نگرش‌های فرهنگی جامعه است. پس می‌توان برای اولین و مهم‌ترین مانع با توجه به آنچه گفته شد به نظریه سقف شیشه‌ای اشاره کرد.
		ندادن مجال فعالیت‌های سیاسی به زنان توسط مردان	درواقع مجال فعالیت‌های سیاسی برای موضع زنانگی را باقی نگذاشته است.
	وجود سقف شیشه‌ای	ساختار به‌عنوان مانع مشارکت زنان	در دوره پهلوی نیز اگرچه با روی کار آمدن دولت مصدق زنان به‌طور عمده به‌عنوان اعضای احزاب ملی یا چپ مشارکت سیاسی داشتند، اما ظهور نشانه‌های رکود در فعالیت‌های زنان، ضعف مشارکت زنان در ساختار را منعکس می‌کند.
		عدم توان کشور در استفاده از پتانسیل زنان	به نظر شما علت این نیست که کار در جامعه ما یک معضل شده و اکثر جوان‌های مابعد از فارغ‌التحصیلی بیکار هستند و رشد جمعیت بالاست. ازنظر رشد جمعیت پنجره جمعیتی ما باز است و پنجره جمعیتی باز بهترین فرصت برای رشد است. منتها پتانسیل‌های جامعه ما امکان استفاده از نیروی انسانی را ندارد و می‌بینیم که بسیاری از دختران مهاجرت می‌کنند. در کشورهای دیگر درس می‌خوانند و شاغل می‌شوند و این مسائل را داریم ترسی که من دارم این است که نسل بعد از من، همانند من آگاه است.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۲. کدگذاری ساختار مردسالارانه

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه‌ها مربوط به کدها
			آیا مطالبات ما زن‌ها را که مقابله با کلیشه‌های جنسیتی است را دارد.
		شکوفا نشدن پتانسیل‌های زنان	با توجه به بافت سنت مدارانه، ما همچنان آن دو جنسیت زنان و مردان را داریم و طبقه‌بندی کردیم و غیرازاین دو گونه طبقه‌بندی دیگری نمی‌توانیم داشته باشیم. چون جامعه و حکومت نمی‌پذیرند اما هنوز در همین دو جنسیت هم مشکل‌داریم. چون بخش عظیمی از جنسیت که زنان هستند هنوز شناخته نشدند. درواقع پتانسیل‌های آنها شکوفا نشده است. اجازه داده نشده، همان یک جنسیت هم به توانایی‌هایی که دارند دست پیدا کنند.
	نابرابری در فرصت‌ها	نابرابری در تقسیم مشارکت بین زنان و مردان	اما همین فرصت کمی هم که برای مشارکت بیشتر زنان در سیاست و توانمندسازی آنان وجود دارد هنوز توسط آنان مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.
		عدم وجود فرصت‌های برابر بین زنان و مردان	اینکه فرصت‌ها به‌صورت مساوی بین زنان و مردان نیست. من دلیلی نمی‌دو نم که بیشتر دراین‌باره صحبت کنم.
		نداشتن امکان فرصت‌های برابر برای کسب مراتب مدیریتی، سیاسی	به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز زنان، با موانعی روبرو هستند مانند نداشتن امکان فرصت‌های برابر برای کسب مراتب مدیریتی، سیاسی و حتی تحصیلی
		نابرابری‌های ساختاری مبتنی بر جنسیت	چراکه فرض بر این گرفته می‌شود که زنان توانایی انجام این کار را ندارند و اگر زنی می‌خواهد به موقعیتی دست یابد باید خود را ثابت کند. درحالی‌که برای بسیاری مردان به‌خصوص زمانی که در مقابل یک زن قرار می‌گیرند این‌طور نیست. زنان انرژی و وقت بیشتری را صرف این کار می‌کنند نه به دلیل اینکه توان کمتری دارند بلکه به دلیل اینکه جامعه از آنان چنین انتظاری دارد.
		عدم اختصاص فرصت برابر به زنان همانند مردان	اگر در قالب مقایسه بگوییم بله آن مقایسه با مردان است که آن درواقع mines ماینسی است که هیچ‌وقت به جامعه داده نشد. هیچ‌وقت فرصتی به زنان داده نشده که زنان هم مانند مردان بر این کرسی بنشیند و آن فضایی که مردان تجربه کردند زنان هم تجربه کنند. البته آن‌هم از عقده‌های عمیقی می‌آید که جامعه به زنان داده و زنان همیشه می‌خواهند خودشان را با مردان مقایسه کنند.
		نهادینه شدن نابرابری‌ها در همه عرصه‌ها نسبت به زنان	از اهداف اساسی توسعه سیاسی پایدار عدالت اجتماعی و مشارکت آزادانه همه آحاد مردم در فعالیت‌های سیاسی و رفع بی‌عدالتی‌ها و انواع نابرابری اجتماعی مثل نابرابری طبقاتی، نژادی و جنسیتی است. واقعیت تلخ در مورد زنان این است که آنان علاوه بر نابرابری‌های نژادی و طبقاتی، متحمل نابرابری جنسیتی هم می‌شوند که مشقت و رنج ناشی از این فشارهای مضاعف را در حوزه‌های گوناگون از خانواده گرفته تا حوزه سیاست و قانون‌گذاری به دوش می‌کشند.
		فقدان فرصت برای بروز توانمندی‌های زنان	زنها هیچ‌گاه به آنها فرصت داده نشده که توانایی‌های خود را بروز دهند.
	تقدس بخشی به مفهوم زن	نگاه به زنان به‌عنوان الهه	از یک زاویه دیگر هم می‌توانیم به این قضیه نگاه کنیم که آن برمی‌گردد به پیشینه ادبیاتی ما مثلاً در ادبیات ما می‌بینیم که در طول تاریخ زن را به‌عنوان الهه در نظر می‌گیرند.
		نگاه ماورایی به زنان	وجود واقعی زن را انکار می‌کنند و در حقیقت زن را به ماوراء می‌برند. خیلی از بخش‌ها با انکار واقعیت زن وجود واقعی زن را کمرنگ می‌کنند و وقتی‌که شما در ماوراء باشید عملاً فضایی برای ظهور و بروز در حوزه سیاسی برداشت نمی‌شود.
	نقش‌های جنسیت زده	وجود کلیشه‌ها در نقش‌های جنسیتی	به‌هرحال در این راستا موانع فرهنگی وجود دارد. موانعی که به‌صورت کلیشه‌های جنسیتی خود را نشان می‌دهد و این کلیشه‌هایی که می‌خواهند زن ادامه تحصیل ندهد؛ و وارد نقش‌های فرزندآوری شود.
		پذیرش زنان با نقش‌های سنتی جنسیتی	قدرت برای یک زن از نگاه مرد جامعه ما یک کابوس است که در جهت خنثی‌سازی برنامه‌ریزی می‌شود. ما حتی زنان خانه‌دار را این‌قدر فرودست در نظر می‌گیریم که در

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۲. کدگذاری ساختار مردسالارانه

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه‌ها مربوط به کدها
			فرمهای مختلف در گزینه شغل خانه‌دار را بدون شغل تعریف می‌کنیم. حتی در ساختارها وقتی می‌خواهیم سفر کنیم باید حتماً امضای مرد (شوهر) در فرم به ثبت برسد ولی مرد بدون اجازه زن به هرکجای دنیا برود.
		جنسیت به‌عنوان مانعی برای تصدی مناصب سیاسی	تفکر در مورد زنان در جامعه ما بدین گونه است که اگر یک مرد حتی اگر استعداد در زمینه‌ی سیاسی نداشته باشد، ولی چون مرد هست و مسیر برایش فراهم بوده به آن قدرت و توانمندی می‌رسد ولی یک زن حتی اگر نابغه سیاسی هم باشد با توجه به جنسیت و کلیشه‌های فکری جامعه در متن جامعه و ساختارها نمی‌تواند نبوغ خود را شکوفا کند.
		پیشرفت زنان در سایه مردان	این زنانی که در سیاست قدم گذاشته‌اند پشتشان به مرد سیاسی یا قدرتمند خود گرم هست. الآن جامعه جوری شده است که اگر یک خانم ازدواج کند انگار به گنج رسیده است. آقا اگر هم کم‌سواد باشد به خودش افتخار می‌کند و یک خانم با تمام تحصیلات و سرمایه‌های درونش فرودست قلمداد می‌شود.
		نقش مادری به‌عنوان مانعی برای رشد و توانمندسازی زنان	یکی از مشکلات ما نقش فرهنگی و بیولوژیکی زنان است که آن‌قدر در این راه مشکل‌دارند که بعضاً تصمیم می‌گیرند کارشان را کنار بگذارند این دو قسمت دارد یک قسمت اینکه به ما گفته می‌شود که یک مادر وظیفه‌اش این است که بچه بزرگ کند و یک بچه اگر پیش مادرش نباشد به‌خصوص در سال‌های اول دچار مشکل می‌شود.
		احساسی عمل کردن در نقش مادری به علت عدم عقلانیت در جامعه	بعضی مادران بچه‌هایشان را در خانه نگه می‌دارند ولی ازنظر روحی حالشان خوب نیست و اینکه بگوییم اگر مادر در خانه نباشد این احساس عذاب وجدان که در بین ایرانی‌ها زیاد هست درست نیست، چون جامعه عقلانیت کاملی به دست نیاورده احساسی‌تر عمل می‌کند اگر عقلانیت کافی داشتیم این مشکلات برای ما پیش نمی‌آمد.
		کلیشه‌های جنسیتی (زنانگی و مردانگی کردن نقش‌ها)	پیش‌داوری‌ها و کلیشه‌های جنسیتی‌ای که زنان را به حوزه‌های خصوصی سوق می‌دهد و حوزه عمومی را مختص مردان می‌داند و برخی امور را ذاتاً زنانه و برخی را ذاتاً مردانه قلمداد می‌کند.
	جامعه‌پذیری جنسیتی	جامعه‌پذیری جنسیتی خانواده	از اهداف اساسی توسعه سیاسی پایدار عدالت اجتماعی و مشارکت آزادانه همه آحاد مردم در فعالیت‌های سیاسی و رفع بی‌عدالتی‌ها و انواع نابرابری اجتماعی مثل نابرابری طبقاتی، نژادی و جنسیتی است. واقعیت تلخ در مورد زنان این است که آنان علاوه بر نابرابری‌های نژادی و طبقاتی، متحمل نابرابری جنسیتی هم می‌شوند که مشقت و رنج ناشی از این فشارهای مضاعف را در حوزه‌های گوناگون از خانواده گرفته تا حوزه سیاست و قانون‌گذاری به دوش می‌کشند. پدر و مادر از اوایل کودکی به‌گونه‌ای با فرزندان دختر خود رفتار می‌کنند که حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر بار می‌آیند و برای همین آن جامعه‌پذیری جنسیتی زنان را زنانی بار می‌آورد که زنان ضعیفی هستند.
		ارتقاء شغلی از طریق جاذبه‌های جنسیتی	من خیلی محکم و قوی در قالب اخلاق سازمانی، چهارچوب کاملاً رسمی عمل می‌کنم. بیشتر سازمان‌ها ازجمله سازمان‌های سیاسی یک ساخت رسمی دارند و یک ساخت غیررسمی. خیلی از ارتقاءها ممکن است از طریق ساخت غیررسمی صورت بگیرد. مثلاً من در محیط کار خودم دیدم که با توجه به ساختار غیررسمی متأسفانه با توجه به جاذبه‌های جنسیتی خواستند ارتقایی را به دست آورند و در ساختارهای رسمی به این موقعیت نمی‌رسند.
		فقدان آموزش توانمندی دختران توسط مادران خانواده‌های سنتی	بهترین کاری که می‌کند این است که مادر خوبی باشد و کمتر این خانواده‌های سنتی ما در مناطق کوچک به فرزندان دخترشان یاد می‌دهند که تو هم می‌توانی در جامعه اثرگذار باشی فرد توانمندی در جامعه باشی.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۲. کدگذاری ساختار مردسالارانه

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه‌ها مربوط به کدها
		تبعیض جنسیتی خانواده‌ها در تحصیل فرزندان	چیزی که من در خانواده خودم و جامعه آن روزهای خودم درک می‌کنم. این است که خانواده‌ها مصر بودند که بچه‌های پسر آنها تحصیل کنند ولی هیچ اصراری برای تحصیل دخترانشان نداشتند؛ یعنی اغلب در خانواده‌ای بزرگ شدیم که ترجیح می‌دادند پسران آنها تحصیلات عالی را داشته باشند و پسرانشان در ابعاد سیاسی جایگاه داشته باشند و تصمیم‌گیرنده باشند ولی برای دخترانشان هم اگر این شرایط رخ می‌داد بدشان نمی‌آمد، ولی داستان این بود که خانواده‌ها می‌خواستند برای پسرانشان تحصیلات دانشگاهی یا جایگاه قائل شوند.
		ایفای نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان در خانواده	حتماً اولویت آنها نقش‌های کلیشه‌ای زنان بود. نقش‌های کلیشه‌ای ازدواج و نقش‌های کلیشه‌ای فرزند آوری. به‌طوری‌که کسب موقعیت‌های اجتماعی، تحصیلی، درآمدی سیاسی در دسته بعدی قرار می‌گرفت و دوره خودم را می‌گویم که نزدیک به ۵۰ سالم می‌باشد و تقریباً همه عمر خودم را در نظام جمهوری اسلامی بودم. برداشتی که من داشتم این بود ولی من خودم تلاش بیشتری کردم چون فرزند اول خانواده هم بودم تلاشم از بقیه زنان بیشتر بود.
		دور کردن دختران از چالش‌های اجتماع توسط خانواده‌ها	چون در خانواده‌های ما همت کمتری هست که دخترانمان را آگاهی بدهیم. دخترانمان را وارد اجتماع کنیم به شکل مکرر داریم دخترانمان را از اجتماع دور می‌کنیم، ازشون حفاظت می‌کنیم. مانع از این می‌شویم که آنها وارد چالش‌های اجتماعی شوند و به یک شم اجتماعی برسند و در آن شم اجتماعی آگاهی انتقادی پیدا کنند؛ و وارد توسعه سیاسی شوند.
		فشار مضاعف خانواده بر روی زنان	علاوه بر آن زنان به دلیل پدیده‌هایی مانند سقط‌جنین، فرزندآوری، متحمل فشارهای مختلف هستند. در فرهنگ مردسالار، تلاش زنان برای آزادی از برخی از قیود اجتماعی و خانوادگی نیز آنان را تحت‌فشار مضاعف قرار داده است.
		نگاه زن‌ستیز در خانواده به زنان	در خانواده هم ممکن است یک نگاه زن‌ستیز با آن بشود که زن باید پای بچه‌هایش بماند. زن باید ایثار کند. باید سکوت کند. باید راضی باشد. موقع طلاق حق را رها کند و آن را به مرد بدهد. مرد است که قانون پشت اوست و هر کار بکند قانون طرفدار اوست. اولین نکته‌ای که وجود دارد یک مسئله کاملاً پارادوکس گونه است.
		تحمیل وظایف بیش از توان به زنان	خانواده‌ها دیگر گسترده نیستند. فردگرایی رشد پیدا کرده است از طرفی خانم‌ها می‌خواهند بگویند ما می‌توانیم. درنتیجه همه بار را به دوش می‌کشند. برای اینکه به همسرشان ثابت کنند که ما می‌توانیم. در این در اینجا خانم‌ها آسیب می‌بینند یعنی ما در مسائل این را در نظر بگیریم که زنها ابر انسان نیستند. پشت آن نقاب من قوی هستم نباید بروند. این‌ها آسیب‌هایی است که ما می‌بینیم و به‌عنوان یک زن باید بپذیریم که ما یک لحظاتی است که ناراحت می‌شویم من نیاز به کمک دارم. منتهی اگر جامعه‌ای بخواهد زنان را وارد جامعه کند باید آنها را حمایت کند. از طریق مهدکودک‌ها باید حمایت شوند.
		عدم حساسیت بر روی رفتارهای پسران	خانواده‌ها، روی تایم بیرون رفتن بچه‌های پسر و اینکه با چه کسی حرف می‌زنند مشکلی ندارند. از چه کسی خرید می‌کنند مشکلی ندارند. از این نگاه و این موانع شروع می‌شود و این‌ها در مقایسه به‌دست‌آمده‌اند.
		سخت‌گیری به رفت‌وآمد دختران	شاید والدینی داشته باشیم که روی تایم شب بیرون رفتن بچه‌های خود حساس هستند و شاید دختر خانواده اول متوجه نباشد و فکر کنند این قانون برای کل افراد خانواده است، ولی وقتی وارد نگاه‌های جنسیتی می‌شود، دختر نمی‌تواند بپذیرد. می‌گوید این به خاطر جنسیت من است که تا ساعت نه بیشتر نمی‌توانم در بیرون از خانه باشم ولی برادرم ایرادی ندارد.
		قوانین تبعیض‌آمیز مدارس دخترانه	این نگاه از خانواده‌ها شروع می‌شود و بعد به سطح بعدی که مدرسه است وارد می‌شود

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۲. کدگذاری ساختار مردسالارانه

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه‌ها مربوط به کدها
		و پسرانه	که بازهم به دلیل تفکیک آموزشگاه‌هایی که داریم. این نگاه‌های جنسیتی ظاهراً کمی کم شده ولی در رویه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها این اتفاق نمی‌افتد و می‌بینید که قوانینشان با مدرسه پسرانه متفاوت است.
		محدودیت در استفاده از مکان‌های عمومی برای دختران	گر بچه کمی کنجکاو باشد مثل روابط دوست‌پسر و دوست‌دختر که الآن هست دختران این‌ها را می‌بینند که مثلاً پسران به ورزشگاه، پارک و کارگاه‌ها می‌روند. کلاس‌های فوق‌برنامه با معلمان خود دارند ولی برای دختران این‌گونه نیست.
		تأثیر محیط خانوادگی در ادامه تحصیل زنان	یعنی این که یک زن در سطح خانواده‌ای که بزرگ‌شده چقدر به خودش بالیده و چقدر آمادگی دارد که ادامه تحصیل بدهد و به‌عنوان یک حق برای خودش می‌داند. یک سری از خانم‌ها هستند که در شرایطی بزرگ می‌شوند که ارزش تحصیل کردن برای خودشان قائل نیستند و فقط اینکه شوهرشان بدهند و بچه‌ای به دنیا بیاورند و در یک فضای کاملاً بسته‌ای رشد کنند و بنابراین محیط خانوادگی مهم است که چه سطحی دارد و طبقات اجتماعی را ببینند.

جدول ۳. کدگذاری مقاومت نرم زنان

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه
مقاومت نرم زنان (استراتژی‌ها)	مقاومت‌های شغلی	انتخاب مشاغل متنوع توسط زنان	در مورد زیرساخت‌های اقتصادی چگونه می‌توان زنان را توانمند کرد؟ زنان باید یاد بگیرند که کسب درآمد داشته باشند؛ اول باید بتوانند با هنجارهای غلط اقتصادی روبرو شوند. اینکه چون تو زن هستی نمی‌توانی در سوپرمارکت و معدن کار کنید، غلط است. اینکه نمی‌توانی راننده تاکسی شوی غلط است الآن به‌اندازه تعداد زنان در ایران علاقه به شغل‌های خاص داریم.
		داشتن استقلال مالی	خیلی از خانم‌ها که برای تأثیرگذاری در جامعه نمی‌آیند برای قدم بزرگ برداشتن نمی‌آیند. چون شناخت کافی نسبت به خود و توانمندی‌های خود ندارند همه‌چیز به دلیل این است که استقلال مالی داشته باشند.
		ورود زنان به بازار کار	زنان ما باید قدرت تحلیل پیدا کنند و وارد اجتماع شوند؛ و شرایط به‌گونه‌ای باشد که زنان خیلی در تعامل با جامعه باشند. خیلی مهم است که زنان بتوانند ورود به بازار داشته باشند. مارکتینگ، اقتصاد، امور مالی تصمیم‌گیری مدیریتی در رده بالا داشته باشند. زنهای ما باید بتوانند در توسعه سیاسی نقش خود را ایفا کنند. چون واقعاً ۵۰ درصد از توسعه سیاسی کشور حتی بیشتر بر دوش زنان است.
	مقاومت‌های سیاسی	ایجاد رقابت با پیوستن روزافزون خود به حوزه‌های عمومی	اگر زنان هم مانند مردان وارد حوزه عمومی شوند یک سطح رقابت ایجاد می‌شود.
		مشارکت فراگیر و عمیق در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی	وقتی مسئله زنان را در ارتباط با توسعه سیاسی پایدار قرار می‌دهیم یعنی این مفروض را تائید می‌کنیم که یکی از شاخص‌های اساسی توسعه پایدار؛ مشارکت زنان از پایین‌ترین سطوح تا عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی است؛ بنابراین توانمندسازی زنان اثرگذاری مثبتی بر توسعه سیاسی پایدار دارد.
		کنشگری سیاسی در عرصه خرد و کلان	توانایی اثرگذاری مثبت بر فرایندهای خرد و کلان اجتماعی- سیاسی را پیدا کنند و بتوانند نقش‌های اثرگذار به‌ویژه در جایگاه‌های تصمیم سازی ایفا کنند. توانمندی زنان برای برداشتن موانع چه کمکی می‌کند؟ بخش بزرگی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند وقتی ما یک زن توانمند داریم، ناخودآگاه بخشی از این چرخه عظیم بهتر می‌چرخد. نیازی نیست که با هندل کردن آن بخشی که ناتوان و ناکارآمد است مداوماً با درگیری‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن را به‌روز نگه‌داریم و یا با منفعل نگه‌داشتن او باری روی دوش مردان بگذاریم. مردان فعالیت کنند، شغل پیدا کنند، خانه پیدا کنند.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۳. کدگذاری مقاومت نرم زنان

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه
		استفاده از مشارکت مردم در احقاق حق خود	حالا که این شرایط را نداریم حداقل ما از مشارکت مردم برای این موضوع استفاده کنیم که حداقل آنها به این صورت نخواهند به حق زنان دست‌اندازی کنند. در سهمی که زنان در توسعه سیاسی دارند.
		مشارکت خلاقانه در همه عرصه‌ها	وقتی سیستم فرهنگی ما مبتنی بر آموزش و روشنگری نسبت به جهت‌گیری سیاسی قابل‌توجه در میان زنان باشد و در درک درست آنان از نقششان در فرایندهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی اثرگذاری مثبت داشته باشد و منجر به ارتقای دانش زنان در مورد حقوق سیاسی‌شان و ... شود به صورتی که بتوانند هویت زنانه خود را بر مبنای شایستگی‌ها و قابلیت‌هایشان بازیابی کنند و بازیگران اثرگذاری در صحنه تصمیم سازی (از سطوح خرد تا کلان، از خانواده تا عرصه‌های کلان سیاسی) باشند آن زمان می‌توان گفت گام مهمی در رفع موانع برداشته شده است. قطعاً توانمندی زنان در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علوم روز و کسب رتبه در علوم روز در عرصه‌های مختلف اعم از ورزشی و مهارتی قطعاً در کمرنگ شدن نگاه‌های جنسیتی و باورهای فرهنگی جامعه تأثیرگذار خواهد بود.
		حضور زنان در مسئولیت‌های اجتماعی	وقتی زنان بتوانند در مناصب و جایگاه‌های اثرگذار سیاسی اجتماعی حضور فعال داشته باشند، به‌مرور رویه‌های حساس به جنسیت در فرایندهای مختلف در عرصه‌های گوناگون گسترش پیدا می‌کند و این زمینه را برای تغییر سنت‌های فرهنگی اجتماعی در جهتی که نظام فرهنگی به یک موازنه عادلانه برسد که دیگر درصدد حذف زنان نباشد، فراهم می‌کند.
	مقاومت‌های اجتماعی	حضور متوازن در عرصه‌های اجتماعی و خانوادگی	اگر توازن وجود داشته باشد تبعات آن می‌تواند به حداقل برسد وقتی یک خانم در جامعه حضور دارد نباید باعث شود که از مسائل شخصی و خانوادگی خود عقب بماند. به نظر من یک مشکل عمده‌ای که وجود دارد خیلی از خانم‌هایی که وارد جامعه شدند متأسفانه به‌جای اینکه توازنی ایجاد کنند با این ضرب‌المثل بگویم که یا از این سمت بوم افتادن یا از آن سمت بوم افتادن. اگر توازن وجود داشته باشد تبعات آن می‌تواند به حداقل برسد. خانم‌ها باید یک بازبینی در جامعه ایجاد کنند و تا زمانی که در آن جامعه هستیم به‌عنوان یک کارمند تأثیرگذار در جامعه هستیم ولی وقتی وارد خانه می‌شویم یک فرزند، یک دختر هستیم و باید نقشمان را ایفا کنیم من خیلی دیدم که در خانواده‌ها این توازن به وجود نیامده و می‌تواند در مسائل خانوادگی مشکل‌ساز شود.
		حضور فعال زنان در سمت‌ها و احزاب	فقط با تصویب قوانین و بسترسازی اجتماعی نمی‌توان شکاف‌های جنسیتی در جامعه را از بین برد. برای توانمندسازی زنان و رفع این موانع می‌بایست از سطوح پایین شروع کرد. بحث اصلی در توسعه مشارکتی هم بر اصل توسعه از پایین به بالا متکی است. ازاین‌رو باید خدمات مشاوره‌ای و برنامه‌های راهنمایی با رویکردهای توانمندسازی که هم ابعاد شخصی و روانی (در جهت افزایش عزت‌نفس، استقلال فکری، احساس قدرت، افزایش اعتمادبه‌نفس و احساس کارآمدی) را مدنظر دارد و هم جنبه‌های حرفه‌ای و مهارت افزایی (برای مشارکت اجتماعی-سیاسی مثل فعالیت در انجمن‌ها، جنبش‌ها احزاب و ... و فرصت‌های اقتصادی و کارآفرینی) موردتوجه قرار گیرد. توانمندسازی زنان با کاهش شکاف جنسیتی موجب هموارتر کردن زمین بازی و درنتیجه تغییر روابط قدرت شده و توسعه سیاسی پایدار را در پی خواهد داشت.
		افزایش فعالیت‌های غیررسمی زنان در جامعه	بیشتر فعالیت‌های زنان به‌صورت غیررسمی صورت می‌گیرد. البته در سال‌های اخیر خیلی بیشتر شده ولی به‌صورت رسمی جایگاهی به آنها داده نمی‌شود و مشارکت زنان، هم در حوزه سیاسی، هم به خاطر آن فرآیندهای هنجارمدارانه و یا آن سنت‌هایی که در جامعه جاافتاده همچنان پررنگ نیست.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۳. کدگذاری مقاومت نرم زنان

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه
		ایفای نقش‌های اجتماعی در کنار نقش خانه‌داری	حال زنی که تحصیلات لازم را گذرانده و مهارت و دانش لازم را کسب کرده و وارد بازار کار شده و همچنان از دید جامعه این جایگاه در صورت بهبود کیفیت ایفای نقش او در خانه یا لطمه نزدن به آن است که قابل‌قبول است و مجبور است که نسبت به مردان بار اضافی را متحمل شود؛ یعنی رنج مضاعف. این توسعه برای زنان به معنی بار کاری بیشتر در بیرون از خانه علاوه بر نقش خانه‌داری، مراقبتی و مادری است. ما بسیار شعار می‌دهیم که زنان و مردان دوشادوش هم در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشند. ولی این یعنی نادیده گرفتن نقشی که زنان در خانواده ایفا می‌کنند.
		تشکیل شبکه‌های زنان توانمند	وقتی ما Net work هایی داشته باشیم از زنان توانمند. آنها هم می‌تواند شبکه خود را گسترش دهند و زنان توانمند خواهیم داشت. پیامدهای اقتصادی: وقتی قسمت عظیم و اصلی جامعه توانمند شوند؛ قطعاً چرخ اقتصاد آن جامعه بهتر می‌چرخد. چرخ شغلی و حرفه‌ای آن بهتر می‌شود. مشاغل Professional می‌شوند. مشاغلی که نیاز به زنان دارند قوی‌تر می‌شوند با جوامع دیگر قطعاً می‌توانیم ارتباط بهتری برقرار کنیم به‌عنوان یک جامعه توانمند در سطح بین‌المللی شناخته می‌شویم. همه این‌ها پیامدهای اجتماعی و اقتصادی می‌باشد و پیامدهای دیگر پیامدهای آموزشی است. ما می‌توانیم الگوهای بهتری برای جامعه خودمان باشیم.
	مقاومت‌های نقش محور	محدود نکردن خود به چارچوب خانه	زنان ما نیز باید خود را در عرصه سیاسی توانمندتر کنند و خود را محدود به چارچوب خانه نبینند.
		مطلوبیت استفاده از نگاه‌های مادرانه در حل مسائل	یک خانم در کنار اینکه می‌شود گفت احساسی است آن‌قدر توانایی و قدرت دارد که روی خصوصیات احساسی بودنش سلطه داشته باشد و بتواند تصمیم‌گیری داشته باشد با قدرت بالا و با کمترین حالت احساسی بودن. این احساسی بودن خیلی وقت‌ها می‌تواند باعث تصمیم‌گیری‌های بهتر شود چون خیلی وقت‌ها آقایان به صورت‌های مقتدرانه می‌خواهند یک مسئله را حل کنند و یک خانم خیلی وقت‌ها با نگاه مادرانه‌ای که دارد باعث می‌شود بهترین راه‌حل‌ها را در نظر بگیرد که کمترین خسارت‌ها را داشته باشد.
		کنشگری زنان مذهبی در راستای حضور مؤثر	زن به‌عنوان یک انسان کنشگری کند. همان چیزی که هدف ماست. در ابعاد مختلف دوست داری شغل داشته باشی. رشته خاصی را انتخاب کنی؛ یعنی خودت کنشگری کنی. یکسری خانواده‌های مذهبی پشتیبانی می‌کنند. این کنشگری زن را با یک سری مسائل مذهبی هماوا می‌بینند. حضرت محمد (ص) به دخترش اکرام می‌کرد در انتخاب همسر آزاد بود. شغل داشت. درآمدش برای خودش بود. همه آن چیزی که یک زن می‌تواند از آن برخوردار باشد.
		عدم فرزند آوری خودخواسته	ما می‌بینیم که در این آگاهی جهانی و دهکده جهانی زنان هوشیار هستند و می‌بینند که دستشان از توسعه سیاسی و اقتصادی کوتاه است و دوم اینکه آنها می‌بینند که دست آنها از جایگاه اقتصادی، اجتماعی و تحصیل جدا می‌شود آنها می‌آیند با نقش‌های جنسیتی خود، مبارزه مخفیانه و پنهانی انجام می‌دهند. الآن من خودم در ابعاد جمعیتی کار می‌کنم و می‌بینم که خانم‌ها برای فرزندآوری یک‌جور اعتصاب پنهان کردند. دلیل آن این است که از همه‌جا وامانده شده‌اند و سوق داده می‌شوند به سمتِ نقش‌هایی که به بیولوژی آنها ربط داده می‌شوند به کلیشه‌های جنسیتی تبعیض‌آمیزشان.
		اعتراض با مراقبت ناکافی از فرزندان	به خاطر همین یک اعتصاب پنهان و ناخودآگاه رخ می‌دهد که می‌توانیم مفصل درباره آن صحبت کنیم. اصلاً جای بحث نیست که ضرورت توسعه سیاسی زنان، الزام توسعه کشور است. اصلاً جامعه عقب نگه‌داشته می‌شود و حتی من فکر می‌کنم بعداً دچار بعضی از نابسامانی‌ها می‌گردد و وقتی زنان را هیچ جایی راه ندادیم به‌صورت هوشیارانه و ناخودآگاه با نقش‌های جنسیتی خود مبارزه می‌کنند. با کلیشه‌های بیولوژیکی خود مبارزه می‌کنند. الآن اگر دیده باشید خانم‌های خانه‌دار کمتر از بچه‌های خود مراقبت

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

جدول ۳. کدگذاری مقاومت نرم زنان

کد محوری	مفاهیم	کدهای اولیه	متن مصاحبه
			می‌کنند.

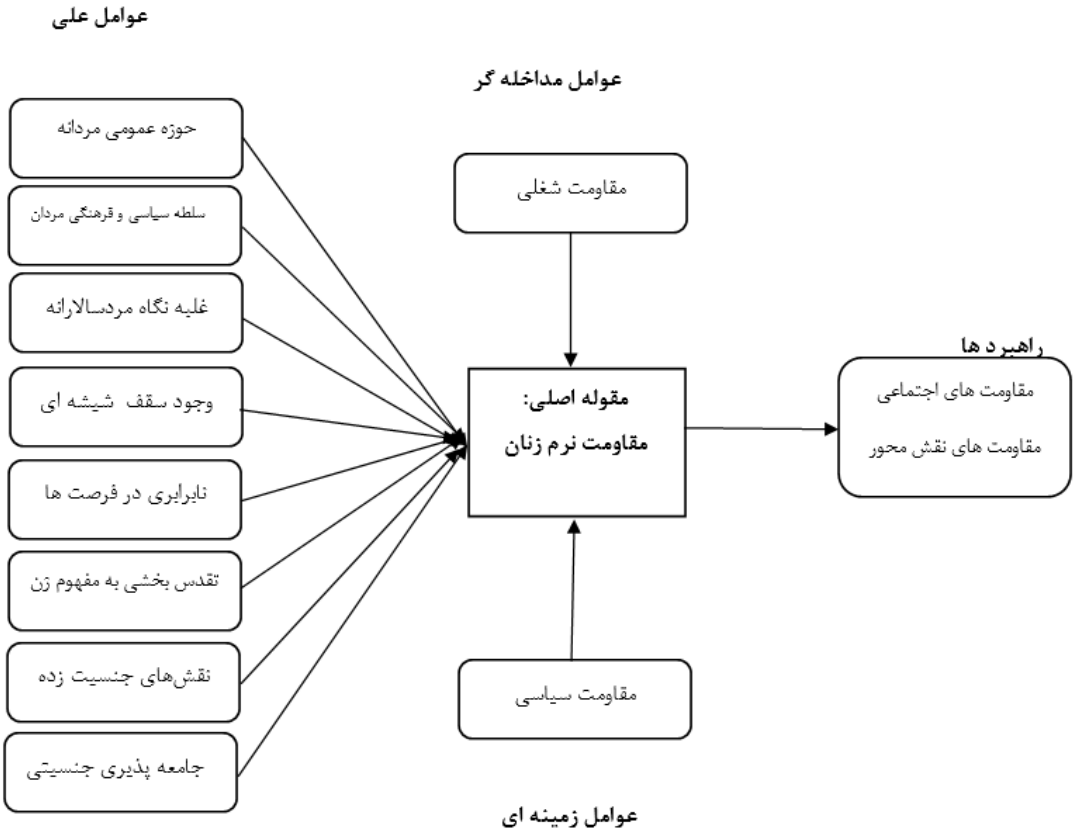

نمودار ۱. نمودار پارادایمی عوامل مؤثر بر مقاومت‌های نرم زنان

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد زندگی زنان در متن جامعه مردسالارانه موردبررسی قرارگرفته و برخی عوامل پراهمیت در تثبیت یا تغییر وضعیت آنان خصوصاً در خانواده واکاوی شود. شاخص‌های به‌کاررفته، ضمن آن‌که در بردارندهٔ وجوه اشتراک دیدگاه‌های فمینیستی به مسئله زنان است، ازآن‌جهت که ارتباط قابل‌ملاحظه‌ای با نحوه عملکرد زنان در مقام عاملیت دارد متوجه وجه مقاومت‌کننده کنش‌های آنان بوده و برای محدودیت‌های ایجادشده از سوی ساختارهای بیرونی (مانند قوانین) اهمیتی ثانویه قائل است. در حقیقت آنچه مورد تأکید قرار گرفت، نقش زنان در پذیرش و عمل بر اساس باورهای رایج مردسالارانه در جامعه موردمطالعه بود که می‌تواند در سوی دیگر خود متوجه میزان به چالش کشیده شدن و مقاومت در برابر آن‌ها نیز باشد.

درحالی‌که نابرابری جنسیتی در بسیاری از بخش‌های اجتماعی ساختار می‌یابد و مستقر می‌شود، تجربهٔ زنان از نابرابری در دو حوزهٔ عمدهٔ زندگی روزمره یعنی خانواده و حوزهٔ عمومی اغلب یکسان می‌باشد. این دو حوزه که در بسیاری موارد برای زنان در پیوند با یکدیگر ظاهر می‌شوند، نابرابری‌ها و تمایزات را از یک محدوده به محدودهٔ دیگر سرایت داده و باعث تقویت آن در هر دو می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر ساختار و روابط نابرابر در خانواده به نابرابری‌های جنسیتیِ اجتماعی و اقتصادی انجامیده و نابرابری‌های اجتماعی در مقابل باعث تقویت نابرابری‌های خانوادگی می‌گردد. «نظام پدرسالار می‌کوشد به نحو ظاهراً انسانی چنان مکان زن را در نقطهٔ التقای خانه و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

خانواده تعریف کند که او در میانهٔ کشاکش عرصه‌های خصوصی و عمومی متوجه کنترل ایدئولوژیک خویش نشود. هرچند خانواده مکان خصوصی زن قلمداد می‌شود، اما این مکان دو وجه دارد. زن در خانواده از یکسو خود و کار و فراغت خویش را می‌شناسد و از سوی دیگر، این مکان به بازتولید ساخت مردسالار قدرت اختصاص می‌یابد» (۱۶).

فرهنگ پدرسالاری شامل ایده‌هایی دربارهٔ طبیعت چیزها شامل مرد، زن و انسانیت است (مردانگیِ مرتبط با نوع انسانی و زنانگی مرتبط با موقعیتی حاشیه‌ای از دیگری)؛ دربارهٔ این‌که زندگی اجتماعی چیست و چگونه باید باشد، مردم چه انتظارات و احساساتی دارند، دربارهٔ استانداردهای زیباییِ زنانه و سختی مردانه، تصوراتی از آسیب‌پذیری زنانه و محافظت مردانه، پیرامون تعریف زن و مرد به‌عنوان متضاد یکدیگر، طبیعی بودن خشونت، رقابت و سلطهٔ مردانه و همدستی و فریبکاری و فرودستی زنانه؛ دربارهٔ ارزش بخشی مردی و مردانگی و ارزش زدایی از زنانگی، اولویت فرزند پروری در زندگی زنان و اهمیت ثانویه‌اش برای مردان؛ دربارهٔ پذیرش اجتماعی خشم، خشونت و سختی در مردان و نه در زنان و مراقبت، دلسوزی، محبت و آسیب‌پذیری در زنان و نه مردان. به همین ترتیب اگر در فرهنگ پدرسالار عمیق‌تر شویم شبکهٔ پیچیده‌ای از ایده‌هایی را خواهیم دید که واقعیت و آنچه خوب و مطلوب است را تعریف می‌کنند (۱۷).

کلیشه‌های جنسیتی مجموعه‌ای از باورهای فرهنگی – اجتماعی مشترک‌اند که قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاصی را به افراد یعنی زن و مرد نسبت می‌دهند. از سوی دیگر این کلیشه‌ها درخواست‌ها و انتظارات اجتماعی متفاوتی را ایجاد می‌کنند. کلیشه سازی در حقیقت نوعی برچسب‌زنی اجتماعی است. برای مثال طبق رایج‌ترین شکل این کلیشه‌ها، مردان قدرتمند، مدیر، شجاع، مستقل و پرخاشگر و در مقابل زنان ضعیف، وابسته، آرام، صلح‌جو و سازشگر تعریف می‌شوند. می‌توان کلیشه‌های جنسیتی را در یک معنا شکلی از دوگرا یا باور رایج دانست که مجموعه‌ای از باورهای بنیادین است که نیازی به تصریح آن‌ها در قالب گزاره‌های روشن و آگاهانه نیست. آن‌ها اغلب طبیعی، بدیهی و غیرقابل تغییر تصور می‌شوند. یکی از مهم‌ترین عواملی که کلیشه‌ها را در اذهان تثبیت می‌کند، جامعه‌پذیری جنسیتی است. جامعه‌پذیری جنسیتی فرآیند بازتولید نابرابری جنسیتی است. جامعه‌پذیری جنسیتی از درون خانواده نشأت می‌گیرد (۱۸).

کشاورزی و شمشیری (۱۰) در پژوهش خود الگوی توانمندسازی زنان شایسته در جامعهٔ ایران در قالب پنج مضمون سازمان‌دهندهٔ دانش شخصی، دانش محیطی، نگرش شخصی، نگرش محیطی، مهارت شخصی و مهارت محیطی و ۵۷ مضمون پایه کاوش کردند. همچنین، نصیری و همکاران (۱۱) عنوان داشتند که ج. ا. ایران در حوزه‌های مختلف ازجمله توانمندسازی اقتصادی، سیاسی، آموزشی و جنسی–باروری هم در عرصه قانونی و هم در عمل گام‌های مهم و اساسی برداشته است که نمودهای آن را می‌توان در برابری نسبی جنسیتی در دستیابی به مشاغل، مشارکت سیاسی و حقوق آنها در رابطه با همسر مشاهده کرد. از سوی دیگر، مطالعه آیموا (۱۲) با شیوه مرور نظام‌مند منابع، هفت استراتژی توانمندسازی شامل استراتژی‌های ارائه خدمات مالی، اشتغال و مهارت‌های زندگی و حمایت اجتماعی در آفریقا و استراتژی‌های مدل برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان در حوزه کشاورزی، افزایش کسب درآمد زنان، فعال‌سازی بازار کار زنان در آمریکای جنوبی و دریای کارائیب استخراج کردند.

بوردیو خود در خصوص حدود و عوامل شکل‌گیری عادت–واره چندان صریح نبوده و به‌طور مثال مشخص نیست که عادت‌واره‌های جنسیتی افراد بیشتر متأثر از کدام میدان‌های اجتماعی هستند اما تأکید ویژهٔ او بر خانواده به منزلهٔ میدان نخستین با تأثیراتی پایدار و مقاوم در برابر تغییرات در این پژوهش مورد تائید قرار می‌گیرد. زنان پژوهش در هر سه گروه بیش از هر چیز متأثر از میدان خانواده بودند و پس‌ازآن به ترتیب میدان‌های مذهب، تحصیلات و اشتغال قرار داشت. کیفیت حضور آن‌ها در میدان‌ها نیز معنادار بود و به‌عنوان نمونه رشتهٔ تحصیلی یا محل اشتغال و نوع کار مرتبط با آن خود تمایزاتی را سبب گشته بود. گرچه سخنان زنان سنتی بیش از دو گروه دیگر یکدست و همخوان بود که نشانگر عدم تردید در عقاید آنان به لحاظ عدم بروز تنش‌های جدی در وجوه ذهنی و عینی زندگی‌شان است اما این بدان معنا نیست که آنان تعارض میان تمایلات و الزامات تحمیل‌شده را تجربه نکرده‌اند. اظهارات آنان در برخی موارد متناقض می‌نمود، گرچه از چارچوبی کلی پیروی می‌کرد اما نقض سخنان آن‌ها گاه در مواردی رخ می‌داد که آنان قادر به تفکیک آنچه موجود است با آنچه باید باشد یا آنان خواستارش هستند، نبودند. در حقیقت آنان حتی به لحاظ ذهنی از پرداخت تمایلات واقعی‌شان پرهیز دارند و ترجیح می‌دهند آنچه را که باید بدان عمل نمایند. همچون میل واقعی‌شان باور

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

داشته باشند. قاعده‌ای که در خصوص زنان مدرن صادق نیست و جسارت فراروی از باور رایج در وجه ذهنی نزد آنان قوی است. آنچه سخنان زنان فرهیخته را چندپاره می‌سازد نه صرفاً به دلیل تنش در جنبه‌های ذهنی بلکه نتیجهٔ تعارضاتی است که در عرصهٔ عمل به تجربه درآمده، هزینه‌هایی که آنان بابت مقاومت خود پرداخت کرده‌اند و سبب سرگردانی و تشکیک پیرامون ارزشمندی آن‌ها شده است. یک راه افزایش آگاهی بازتابی در زنان تشویق آن‌ها به حضور در میدان‌های متنوع و آشنایی با شیوه‌ها و سبک‌های گوناگون زندگی است که می‌تواند عادت‌واره‌های صلب و سخت را دچار گسست کرده و توسعه بخشد. کنش‌های زنان را باید طیفی در نظر آورد که شامل حداقل تضادهای روزانه درون میدان‌ها تا تجربیات جدی‌تر تعارضات درون و بین میدان‌های جدید باشد. بوردیو خاطر نشان می‌سازد که بازتابندگی (نتیجهٔ تنش عادت‌واره و میدان) یک توانایی ماندگار در سوژه‌ها نیست بلکه یک امر ناپیوسته و اغلب تدریجی است که در اجرا و عمل ناهموار و متضمن تجربهٔ ناسازگاری است (۱۹).

درباره کلیشه‌های جنسیتی می‌توان گفت عادت‌وارهٔ زنان سنتی ازآنجاکه بیشترین حضور خود را در خانواده یا فضاهایی مشابه با آن تجربه می‌کنند، کمتر دچار گسست می‌شود. زنان این گروه بیشترین ارتباطات اجتماعی خود (سرمایهٔ اجتماعی) را در ارتباط با بستگان درجه یک، همسایه‌ها و حضور در مدارس فرزندان و ارتباط با سایر مادران تجربه می‌کنند. مشابهت فکری و شیوهٔ زندگی (عادت‌واره) افراد مورد ارتباط سبب می‌شود آن‌ها به تائیدی بر عقاید و نحوهٔ عمل خود برسند. بوردیو سرمایهٔ اجتماعی را در ارتباطی تنگاتنگ با سرمایهٔ فرهنگی در نظر می‌گیرد؛ یعنی افراد دایرهٔ ارتباطات اجتماعی خود را اغلب پیرامون افراد مشابه ازنظر سرمایهٔ فرهنگی‌شان شکل می‌دهند. ازآنجاکه عادت‌واره را می‌توان شکلی از سرمایهٔ فرهنگی دانست، بروز قاطع و ثبات نسبی باورهای شکل دهندهٔ عادت‌واره در این گروه را می‌توان از سویی علت محدود بودن میدان‌های تجربه‌شده و از سوی دیگر عامل کم اثر شدن تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر آن در نظر گرفت. گسست موردنظر در مورد گروه دوم یعنی زنان تیپ مدرن بروز بیشتری داشت.

تقدیر و تشکر

از تمامی خبرگان و صاحب‌نظران علمی و اجرایی، در رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در پژوهش حاضر و همچنین مسئولین محترم تشکر و قدردانی می‌شود.

References

1. Abbott, P, Wallace, C. Women's Sociology. The translation of Manizhe Monjam Araghi. Tehran: Ney Publishing, 2016. [In Persian].
2. Hajilo V, Valizadeh H, Moghimi Z. identifying the components of organizing and empowering women heads of households in chaldoran. Women's Strategic Studies. 2020 Nov 21; 23(89):95-116. [In Persian]
3. Allan J. Silenced Resistance: Women, Dictatorships, and Genderwashing in Western Sahara and Equatorial Guinea. University of Wisconsin Press; 2019 Apr 9.
4. Koenig AM. Comparing prescriptive and descriptive gender stereotypes about children, adults, and the elderly. Frontiers in psychology. 2018 Jun 26; 9:1086.
5. Bani Fatemeh H, Abbaszadeh M, Alizadeh Aghdam MB, Mohammadpour N. (2018). Stress and violence against women: qualitative research. Woman in Development & Politics, 22, 16(4):581-602. [In Persian]
6. Ali Vardi, Niya, A, Riahi Mohammad, I,. Esfandiari, F. Explaining the attitude of female students towards violence against women: an empirical test of the social learning perspective. Social issues of Iran (Khwarazmi University). 2011: 1(1): 103-131. [In Persian]
7. Coser AL. Greedy Institutions: Patterns of Undivided Commitment, 1986, New York: Free Press.
8. Vadiea S, Hazrati Somee Z, Azizabadifarahani Z. Sociological study of the role and position of women in the sustainable development of Tehran's metropolis. Environmental Sciences. 2017 Dec 22; 15(4):65-78. [In Persian]
9. Lange, S. Criteria for women's empowerment, women's role in development, 2015, Tehran: Roshangaran. [In Persian]

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]

10. Keshavarzi F, Shamshiri B. The Applied Model of Women's Empowerment Development in Iranian Society: A Mixed Methods Study. Woman in Development & Politics. 2020 Sep 22;18(3):463-84. [In Persian]
11. Nasiri, S, Zakarian, M, Taheri, A. The Islamic Republic of Iran's approach to empowering women in the fields of sustainable development under the influence of international organizations (UNESCO case study). Approach of the Islamic Revolution, 2018; 13(48): 71-86. [In Persian]
12. Aimua EP. Education, women empowerment and national development in Nigeria. Asian Research Journal of Arts & Social Sciences. 2021 Jun 4; 14(2):14-21.
13. Ziaey AJ. Applying Community-Driven Approaches to Rural Development and Women's Empowerment in Afghanistan. Polly Preps... 2021; 28:1.
14. Danaeifard H, Emami SM. Strategies of qualitative research: a reflection on grounded theory. Strategic Management Thought. 2007 Sep 23; 1(2):69-97. [In Persian]
15. Corbin, J, Strauss, A. Basics of qualitative research techniques And Procedures for Developing Grounded Theory (3rd Ed). Thousand Oaks, CA: Sage. Organizational Research Methods; 2008, 12(3), 614–617.
16. Iman, M.T, Sotoudeh, M, Enayat, H, Rajabi, M. Production and reproduction of symbolic dominance against women in Dehdasht. Social psychological studies of women, 2019; 18(1): 7-64. [In Persian]
17. Qolipour, S, Amiri, N, & Tizcheng, M. Women and reproduction of patriarchy (case study: Kermanshah city). Iranian Journal of Sociology, 2013, 15(4), 111-152.
18. Parish, M. American Myth and Ideologies of Straight White Masculinity in Men's Literary Self-Representations.2018. [In Persian]
19. Pisheh, R, Shiri, E, Najafi A, Ali Hossein, & Janaki, M.F. Gender stereotypes affecting the occurrence of rape in the components of Iranian culture. Criminal Law Research Quarterly, 2019, 9(32), 151-177. [In Persian] .

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-14]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1402.21.2.15.8]
[DOI: 10.48305/21.2.390]